

## نگاهی بر مشکلات جامعه مدنی در افغانستان

عوامل عقب مانگی در نفس يك جامعه سنتی ابعاد گوناگون و چند جانبه دارد که گاهی هر يك از آن ها به گونه عامل اصلی جلوه می کند. باز سازی در يك چنین جوامعی، اساساً با شناخت عوامل عقب مانگی آن باید آغاز شود. گذشته را نباید در کلیت رد کرد، بلکه بسیار مهم است که گذشته بررسی شود و جهات مثبت آن مشخص گردد تا بتوان نوسازی را بر بنیاد آن آغاز کرد. در حقیقت این جهات مثبت می تواند به حیث اصل اصالت و وجه تشخیص جامعه به حساب آید. نکته دیگر این که نوسازی و اصالت نه تنها يك دیگر را نفی نمی کنند، بلکه می توانند چنان دو جزء جدایی ناپذیر در فرایند عقلانی سازی جامعه نقش مهمی داشته باشند. عناصر خرافی و غیر عقلانی به وسیله نوسازی از فرهنگ اجتماعی حذف می شود. به همین گونه به وسیله



اصالت می شود راه حل های مناسب و ویژه گیهای تاریخی جامعه را پیدا کرد و بدون ایجاد تنش ها و اصطکاک های اجتماعی از آن به سود نوسازی جامعه کار گرفت. مهم این است که در حالت کنونی باید وضعیت را تشخیص دهیم در گام نخست باید پیش شرط های انکشاف، توسعه و نوسازی در مرحله کنونی فراهم آینده مسلم است که با آماده کردن پیش شرط ها و رعایت آن ها در حد معقولیتی که دارند میتوان حرکت های بعدی اجتماعی را استوار تر و بهتر به پیش برد. با در نظر داشت شرایط اقتصادی افغانستان می توان گفت که نوسازی و توسعه حیات اجتماعی بستگی به توسعه اقتصادی دارد و اما چرا این همه اقتصاد گرایی؟ افغانستان کشور دهکده هاست. در این جا به مشکل می توان مسایلی از قبیل مدرنیته و جهانی شدن و صنعتی شدن را در گام نخست مطرح کرد. برای آن که وقتی می گویم کشور دهکده ها، در آن صورت هزاران دهکده بدون ارتباط با جهان مدرن کنونی در نظر ما مجسم می گردد. این دهکده ها چه ویژگیهایی دارند؟ از چه امکاناتی برخوردار اند؟ و چگونه می توان نوسازی و انکشاف ذهنی فکری را که عامل مهم رشد و انکشاف اجتماعی اقتصادی است، انجام داد. می دانیم که در اکثریت این دهکده ها مکتب وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد یا سامان وسایل آموزشی ندارد و یا هم آموزگار. این دهکده ها چنان جزیره های کوچک و جدا از هم از سرک موتور، برق، آب آشامیدنی، مراکز صحتی و زمینه بهتر کار اجتماعی محروم اند. این در حالیست که اکثر شهر ها در کشور نیز به میزان متفاوتی چنین مشکلاتی را دارند.

مراکز فرهنگی، کتابخانه، سینما، تلویزیون و تئاتر که هنوز در دهکده های راه نیافته اند.

در این صورت ترجیحاً باید به رفع نیاز مندی های اولی پرداخته شود و اما این امر نیز به توانایی اقتصادی و رشد آن در دهکده ها ارتباط می گیرد.

آن چه که نهایت ضروري و مهم به نظر مي رسد اين است که براي تطبيق هر برنامه اجتماعي اقتصادي در گام نخست به انسان آگاه و متخصص ضرورت است.

اگر همه امکانات مادي ديگر وجود داشته باشد و کارشناس و متخصص عرصه وجود نداشته باشد در آن صورت نه باز سازي مي تواند صورت گيرد و نه هم توسعه و انکشاف. مدرسه يي با وسايل مدرن، ولي بدون آموزگار متخصص نمي تواند مشکلي را حل کند. چنان که هم اکنون در اين زمينه مشکلات جدي و گسترده يي وجود دارد. در افغانستان کمبود روشنفکر مشکل ديگريست که خود مي تواند جريان حرکت هاي اجتماعي را با کندي رو به رو کند.

بر خورد هاي قشري، جهاني يي هاي بسته، نفي گرايي، کمبود دانش هاي تخصصي خود از شمار موانع ديگري در راه رشد و انکشاف اجتماعي مي تواند بود. اين در حاليست که روشنفکران و کار شناسان در جامعه بايد نقش تسهيل کننده در زمينه توسعه و تغيير اجتماعي را داشته باشند. بحث هاي که اين جا و آن جا در ارتباط به جامعه مدني، مدرنيته و يا نوسازي به راه انداخته مي شود، بيشتر با عاريت گيري هايي شايد هم نه چندان به جا از دانشمندان غرب صورت مي گيرد.

در حالي که بهتر است در زمينه هاي عملي و تطبيقي پيش از همه ساخت و بافت جامعه افغانستان را مورد مطالعه قرار دهيم. تا بعداً بر بنياد نتايج به دست آمده از تحليل، تجزيه و ارزيابي هاي اجتماعي خويش بنياد کار را استوار سازيم.

گردونه زمان با شتاب چشمگيري در گذر است. درك اين امر بسيار حياتي به نظر مي آيد که بدون شناخت ويژه گيهاي جامعه خودي نمي توان همگام با چنين حرکتی به پيش رفت. ما در زمينه جامعه شناسي افغانستان با کمبود و فقر شديدي رو به رو هستيم در حالي که اين جامعه شناسي مي تواند ميرم تر از بسياري مسايل ديگر بوده باشد.

فکر مي شود که ضرورت تدريس مضمون جامعه شناسي و به گونه اخص جامعه شناسي افغانستان در فاکولته علوم اجتماعي پوهنتون کابل و ديگر نهاد هاي آموزشي عالي کشور از نياز مندي هاي جدي به حساب مي آيد.

به همين گونه ضرورت احساس مي شود تا با برگذاري سيمينار ها، و انتشار نشريه هاي اختصاصي در اين زمينه به وسيله سازمانها و نهاد هاي علمي فرهنگي به دانش جامعه شناسي در ميان نسل جوان افغانستان گسترش بيشتر ي داده شود.

اساساً نوسازي را بايد از حوزه اندیشه و فکر آغاز کرد بدون نوسازي ذهني و فکري مشکل به نظر مي آيد که پروسه نوسازي در کشور به ثمر برسد.

در راه توسعه اقتصادي حتمی نيست که از الگوي خاصي پيروي کنيم. در وضعيتي که ما در آن به سر مي بريم الگو و نمونه خاصي را پيدا کردن، کار دشوار و حتي محال به نظر مي رسد، بناءً بهتر آن است تا ارزشها و نياز هاي خودي را معيار عمل قرار دهيم.

رفقا، دوستان عزیزتارنمای **وطندار** ! لطفاً نظرات، پیشنهادات، انتقادات، مقاله ها، نوشته ها، مضامین و مطالب علمی و تحلیلی خود را جهت نشر به ادرس پوست الکترونیکی سایت بفرستید



[admin@vatandar.at](mailto:admin@vatandar.at)

مدیر مسوول :<sup>۱</sup> دیپلوم انجینر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز :<sup>۲</sup> انجینرنجیب یوسفی

کلیه حقوq بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

بقیه گزیده های مقالات

<http://www.vatandar.at/indexdeseyasi>

وطندار